

فوتوریسم
به نیک ایرانی
(دیالکتیک سنت شعری ایران و اروپا)
(در عصر گذار)

نویسندگان:

دکتر غلامرضا پیروز (عضو هیأت علمی دانشگاه مازندران)

مریم فقیه عبداللہی

انتشارات
سیما رود

سرشناسه: پیروز، غلامرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان: فوتوریسم به سبک ایرانی: (دیالکتیک

سنت شعری ایران و اروپا در عصر گذار).

مشخصات نشر: تهران: انتشارات سیاهرود، ۱۴۰۰.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۷۲۵۹-۰۰۱-۱

مشخصات ظاهری: ۱۷۶ص:؛ مصور (بخشی رنگی): ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شناسه افزوده: فقیه عبداللہی، مریم، ۱۳۶۷ -

رده‌بندی دیویی: ۸۶۱/۰۰۹

شماره کتابشناسی ملی: ۸۵۴۳۱۰۷

نام کتاب: فوتوریسم به سبک ایرانی

نویسندگان: دکتر غلامرضا پیروز (هیأت علمی دانشگاه مازندران) و

مریم فقیه عبداللہی

ناشر: انتشارات سیاهرود

نوبت چاپ و تیراژ: اول، ۱۴۰۰، ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

آدرس: تهران، میدان انقلاب، ابتدای کارگر جنوبی، کوچه‌ی رشتچی، پلاک ۷، واحد ۸

تلفن: ۶۶۹۰۶۷۴۹-۶۶۹۰۶۷۸۶

آدرس سایت: siahroutpub.ir ایمیل: siahrout@gmail.com

کلیه حقوق این اثر (چاپ و اقتباس) برای انتشارات سیاهرود است و

هیچ شخص حقیقی و حقوقی حق چاپ، انتشار و کپی کل و

یا بخش‌هایی از این کتاب را به هر صورت ندارد.

سرنویسه

پیش از گفتار	۷
فراگرد نخست: درباره‌ی فوتوریسم	۱۱
ایتالیا، خاستگاه فوتوریسم	۱۱
فوتوریسم روسی	۱۴
نگره‌های فوتوریسم	۱۸
اُنلولاری شمع فوتورستی	۲۸
فراگرد دوم: پیش‌ازان فوتوریسم	۳۳
ولادیمیر مایاکوفسکی	۳۳
ولادیمیر وویچ خلبنیکوف	۴۹
خلبنیکوف در ایران	۵۵
مبلغ فوتوریسم در ایران	۵۷
فراگرد سوم: آینده‌محوری ایرانی	۵۹
ادبیات نوگرا	۶۳
فراگرد چهارم: فوتوریسم به سبک ایرانی	۷۵
نیما	۷۵
میرزاده‌ی عشقی	۹۸

لاهوری	۱۱۱
فرخی یزدی	۱۲۰
طاهره صفارزاده	۱۰۴
پس گفتار	۱۴۵
پسامتن‌ها	۱۴۹
بنمایگان	۱۵۹
بی‌افزود تصویر	۱۶۳

پیش از گفتار

فوتوریسم و آینده‌محوری پیشروانه زمانی توجیه‌پذیر می‌نماید که بپذیریم سرعت تغییرات در هستی آن‌چنان سرسام‌آور است که دیگر نمی‌توان تنها با اتکا بر روش‌های غیرعلمی، عرفی، عادی و صرفاً سنتی با آن‌ها کنار آمد. اگرچه باید پذیرفت در مورد آینده هیچ قاعده‌ی یقینی و قطعی قابل تصور نیست و این نکته از اصول ثابت و انکارناپذیر آینده‌محوری است، اما در کنار این اصل ثابت باید اذعان کرد که انسان می‌تواند و باید در سرنوشت آینده تأثیرگذار باشد.

شوربختانه، موضوع آینده و آینده‌محوری در ادبیات کلاسیک ایران ظهور، حضور و نمود قابل‌ذکری نداشته است. توجه به درونمایه‌هایی چون امید به شالوده‌سازی آینده‌ای روشن و رفیع در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی از درونمایه‌های مغفول‌مانده‌ی ادبیات سنتی ایران است. گویند شاعرانی که در دربارهای سلاطین و امیران و وزیران به آلاf و الوf دست می‌یافتند و از بدره‌ها و جعبه‌های زر و زیور و جواهر به مال و مکنت می‌رسیدند، در آثارشان آینده و مستقبل را کاملاً از یاد و خاطر برده و صرفاً از یادآوری گذشته‌های شاد و شورانگیز سرمست بودند و یا در جست‌وجوی نام و نان و مقام از مرزهای حال و اکنون پا فراتر نمی‌نهادند. در این میان، کمتر شاعر و ادیبی را می‌توان در مکاتب خراسانی، عراقی، هندی، هراتی و آذری یافت که از به‌شدن احوال مردم و زدوده‌شدن شوربختی‌ها و تیره‌روزی‌ها سخن گفته باشد. نه شاعران زبان به آینده‌سازی و آینده‌نگری می‌گشودند و نه امیران و سلاطین گوش‌هایی شنوا

برای حس و لمس چنین پیام‌هایی داشتند.

نفی گذشته و توجّه به آینده‌ای روشن با شعله کشیدن مشعل هرچند نیمه‌سوز مشروطه در ادبیات ایران رخساره هویدا کرد و بذر آینده‌نگری و آینده‌محوری را بر اذهان تشنه‌ی پیام‌ها و درونمایه‌های نو و مدرن پاشید. با ورود نخستین پیش‌قراولان مدرنیته و در شکل بدبینانه‌اش پیش‌قراولان شبه‌مدرنیته، چالشی جدّی میان سنت و مدرنیته و شبه‌مدرنیته به وجود آمد که بانیان این حرکت‌ها و نهضت‌های کوچک و بزرگ نفی هر آن‌چه را که بوی گذشته و سنت داشت، وجهی همّت قرار دادند و به سوی آینده، آینده‌ای مبهم و نه‌چندان روشن، گام برداشتند.

ماهیت آینده و آینده‌محوری و در شکل آوانگاردش، فوتوریسم، فرایندی است انعطاف‌پذیر و رویکردی است که دستیابی همزمان تغییر و بهبود اوضاع و شرایط را ممکن می‌سازد. آینده‌محوری قطار سازمان‌ها و ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را به ریل قلاش‌هایی رهنمون می‌کند که با بهره‌مندی از تجزیه و تحلیل منابع، الگوها و عوامل تغییر و یا ثبات، به تجسم آینده‌های بالقوه و برنامه‌ریزی برای نیل به آن‌ها می‌پردازد. این جاست که از زهدان تغییرات «امروز» واقعیت «فردا» و «آینده» متولّد می‌شود. از این رو، آینده‌محوری و فوتوریسم یک حرکت ضروری و سرنوشت‌گونه است که هیچ جامعه‌ای برای ورود به جامعه‌ی مدرن، گزیری جز عبور از دالان آن ندارد. بنابراین، فوتوریسم را باید به مثابه یک پروسه و فرایند در نظر گرفت، نه یک پروژه‌ی تصنّعی و غیرطبیعی. لذا نمی‌توان جریان مدرنیسم را در ساختار سیاسی و فرهنگی و ادبی یک جامعه بررسی و تحلیل کرد، اما از مرحله‌ی گذار از سنت به مدرنیسم، یعنی گذرگاه فوتوریسم، سخن نگفت.

اهمّیت توجّه به آینده‌محوری آن‌گاه بیشتر توجّهات را به خود جلب می‌کند که با پیش‌بینی عوامل مؤثر در تغییرات آینده، هم می‌توان مهار تغییرات را در دست گرفت و هم جامعه را برای این تغییرات آماده کرد، و این نکته مهم‌ترین

فرآورده‌ی مهندسی آینده‌محوری است. بی‌شک اگر چنین تغییرات هدفمندی در نهاد ساختار ادبی ایران به‌وقوع می‌پیوست، جامعه‌ی ادبی ایران پس از اقتدار امپراطوری مکتب عراقی تا واقع‌گرایی عاطفی «مکتب وقوع و واسوخت» که بارقه‌های رئالیسم خفیف را در شاعران آن دوره بازتاب داده بود در یک چرخش نامتعارف به ذهنیت‌گرایی عاشقانه-عرفانی و فرمال مکتب هندی و اصفهانی منتهی نمی‌شد و پس از افول سبک هندی و اصفهانی، فرایند شعر فارسی با رجعت واپس‌گرایانه و معکوس سبک «بازگشت» در نیمه‌ی نخست عهد قاجار روبه‌رو نمی‌گردید، جریانی تصنعی که پس از مدتی بر اثر رکود و سکون با جریان بنیان‌کن فوتوریستی تجدّد‌گرایانه روبه‌رو شد.

پیش‌تر بر این نکته تأکید شد که ساختار فرایند ادبیات ایران تا دوره‌ی مشروطه با همه‌ی ظرفیت‌ها و قابلیت‌های فرهنگی و سیاسی و اجتماعی و اعتبارهای پایدار و جاافتاده، متأسفانه در عرصه‌ی نیل به چشم‌انداز آینده از ضعف و نقصان غیرقابل‌جبرانی رنج می‌برد. همین مهم موجب شده است قطار تحولات ادبی در سرزمین ایران با آن پیش‌بینی درخشان بسیار کندتر و بی‌انگیزه‌تر از کشورهای غربی و حتی برخی کشورهای عربی به حرکت ادامه دهد. متأسفانه این قطار پس از ایستگاه مکتب وقوع و مکتب بازگشت به توقف‌ها و پس‌روی‌های تأسف‌باری داشته است. جوامعی که با جریان ضروری آینده‌محوری همراه نباشند، بی‌شک نمی‌توانند خود را با تحولات و تغییرات خودکار تاریخی سازگار کنند؛ لذا در آینده‌ای دور یا نزدیک از هم فرومی‌پاشند. ایستایی و پایایی در فضای «اکنون» و به‌ویژه «گذشته» جامعه را دچار «آنتروپی» می‌کند و به یقین فساد و ازهم‌پاشیدگی برآیند قطعی چنین ساختارهای بسته‌ای خواهد بود؛ چراکه چنین سیستم‌ها و نظام‌هایی نسبت به ذات و ماهیت تغییر، معرفت صحیحی ندارند. چنان‌که اشاره شد، پس از سبک رجعت‌گرایانه‌ی «بازگشت» که نوعی افول و واگرایی ادبی را در سپهر ادبیات ایران موجب گشت، گام‌به‌گام با فروپاشی ساختار کلاسیک شعر فارسی از دوره‌ی مشروطه تا امروز روبه‌رو

شده‌ایم، در حالی که کانون‌های ادبی و فرهنگی در آغاز دوره‌ی قاجاریه با نگاهی آسیب‌شناسانه نسبت به نقاط ضعف و قوت جریان سبک دوره‌ی صفوی می‌توانستند چند دهه زودتر با ترسیم خط‌مشی‌های تحلیل‌شده‌ی علمی نسبت به آفرینش و صورت‌بندی جریان‌های هنری و ادبی دوره‌های بعد تصمیم‌ها و اقدام‌های بایسته و شایسته اتخاذ نمایند.

ذکر این نکته ضروری می‌نماید که خوانش فوتوریستی شعر فارسی لزوماً به معنی فوتوریست‌بودن یک شاعر در حزب و دبستان خاص ادبی نیست، بلکه سعی شده است قرائت و خوانشی از دیدگاه فوتوریستی از شعر شاعران ارائه شود؛ زیرا در ایران نمی‌توان با قاطعیت شاعران را در حیطه و مکاتب و دبستان‌های ادبی غربی قلمداد کرد. از این‌رو، فوتوریسم بهانه‌ای است تا مروری بر دوران گذار شاعران ایرانی از سنت به مدرنیته داشته باشیم.